

هانیه ملکی

مشاور توانمند و مشاوره کارآمد

انجام کارهای مورد نیاز جامعه کفایت نمی‌کند. اگر هم فردی برای انجام مهارتی تجربه اندوخته باشد، باید تخصص علمی لازم را نیز دریافت کند. در غیر این صورت ممکن است منشأ بروز مسائل در زندگی انسان‌ها شود. به‌عنوان نمونه دندان‌پزشک تجربی بی‌معناست، زیرا که دندان‌پزشکی به‌عنوان یک رشته علمی وسعت یافته است. بر این اساس مشاور تجربی و بدون تخصص جایگاه ندارد و لازم است ضرورت داشتن تخصص علمی برای مشاور محرز شود. ممکن است این سؤال طرح شود که آیا لزوماً متخصص در یک رشته کارگشا خواهد بود؟ پاسخ این است که لزوماً نه. زیرا که در کار مهم و ظریفی به نام مشاوره، باید هم علم داشت و هم عمل را تجربه کرد و هم ذهنیت مشاوره‌ای به‌دست آورد. چه بسا فردی علم دارد، عمل‌گرا نیز هست، ولی در موقعیت مشاوره‌ای و در گستردن گره‌های تربیتی تحصیلی و عاطفی توانا نیست. ممکن است ناتوانی مزبور مربوط به این موضوع باشد که افراد ذهنیت مشاوره‌ای ندارند. ذهنیت مشاوره‌ای است که مشاور را در مواجهه با مراجع، پویا و مشتاق نگه می‌دارد. کارهایی مثل پزشکی، روان‌پزشکی و مشاوره با درد و کاستی روبه‌رو می‌شوند. برای تقریب ذهن می‌گویم که هر انسان دردمندی به موقعیت پاییزی شباهت دارد. همان‌گونه که نگاه به برگ‌ریزان باعث اندوه می‌شود، شنیدن مسائل و مصائب مشاور نیز پیامدهایی دارد.

بازسازی و توانمندساختن خود در انجام رسالت، قاعده طلایی زندگی امروزی است. در اعصار پیشین که تحولات علمی در معنا و قوت امروزی وجود نداشت، بازسازی معارف و مهارت‌های حرفه‌ای نیز موضوع مهم و قابل پیگیری محسوب نمی‌شد. طبیعی است که «ایستایی» در پیشرفت‌های علمی، با افراد ایستا هم‌سوست و چه بسا تحولات علمی و پویایی فردی زمینه‌های مغضوب‌شدن و گاهی عزلت و خاموشی را به دنبال دارد. اکنون شرایط دگرگون شده است و به‌دلیل سرعت و کثرت تولیدات علمی و انباشت اطلاعاتی، واژه پویایی نیز رساننده دگرگونی‌های عصر حاضر نیست. این تحولات به این معنا نیست که در هر بخش پیشرفت حقیقی حاصل شده است. چه بسا در برخی امور زندگی، اطلاعات زیادی واصل شده، ولی فایده لازم برای تعالی و ترقی حقیقی را نداشته است. گاهی نیز ممکن است مضر نیز باشد و باعث مسمومیت شود. کمیت و حجم اطلاعات همیشه نشان صحت اطلاعات نیست، بلکه کیفیت و سلامت آن‌ها تعیین‌کننده است. مقصود از بیان نکات فوق این است که در مورد مشاوره واقعیتی بیان شود. مشاوره در دانشگاه‌های دنیا و در کشور ما علمی با شاخه‌های متفاوت است که هر شاخه آن به زمینه ویژه‌ای ارتباط پیدا می‌کند. به همین سبب در دنیای امروز، به‌دلیل پیدایش انواع رشته‌های علمی، صرف دارا بودن تجربه در

“

کسی که به ارایه خدمات مشاوره ای اشتغال دارد
مکلف است نقاط ضعف و قوت خود را بفهمد و
بشناسد و با مطالعه منابع مفید و کاربردی رفع
نواقص کند

”

بدانند که گاهی برای فریب آنان ترفندهای ویژه‌ای
تدارک دیده می‌شوند.

علاوه بر تقویت ذهنیت قوی و باور عمیق به
مسئولیت حرفه‌ای، مطالعات و تحقیقات فردی نیز
ارتقای بخش توانمندی است. خوشبختانه در عصر
حاضر جست‌وجو و یافتن منابع علمی کار سختی
نیست. در همه رشته‌ها از جمله مشاوره دائم دانش
جدید و نظریه‌های نوین زاده می‌شوند.

کسی که به ارائه خدمات مشاوره‌ای اشتغال دارد،
مکلف است نقاط ضعف و قوت خود را بفهمد و
بشناسد و با مطالعه منابع مفید و کاربردی، نواقص
را رفع کند. علاوه بر این شرکت در همایش‌ها،
گردهمایی‌ها و سمینارها نیز فرصت‌های دیگری
برای تقویت توانمندی‌هاست. گاهی در یک همایش
از طریق شنیدن مقاله علمی نکته‌ای یافت می‌شود
که در منابع دیگر نیست. اصولاً فرصت‌ها را باید قدر
دانست و غنیمت شمرد و از معمولی‌ترین رویدادها
مفیدترین دلالت‌ها را به‌دست آورد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که مشاور به
توانمندی نیاز دارد و این نیز رایگان و بدون زحمت
به‌دست نمی‌آید. چنانچه مشاور در تغییر خود و
نهایتاً تغییر در الگوها و روش‌های مشاوره‌ای کوشا
نباشد، حقایق را به‌درستی درک نمی‌کند و در یاری
به مراجعان موفق نمی‌شود.

بنابراین «ذهنیت» غیر از ذهن مملو از دانش و
اطلاعات است. امکان دارد فردی مطلع باشد، ولی
بصیر نباشد. ذهن پُر داشته باشد، ولی نسبت به حل
مسئله‌های مراجع ذهنیت قوی نداشته باشد. تقویت
ذهنیت مثبت و قوی نسبت به مشاوره دلسوزانه
لازمه این حرفه بسیار مهم است. بی‌تردید ضلعی
از ذهنیت با اعتقادات مشاور ارتباط دارد. هر قدر
مشاور معتقدتر و متعهدتر باشد، به همان اندازه
تمایل قوی‌تر برای کاهش مسائل مراجع خواهد
داشت.

عامل دوم در ایجاد و تقویت «ذهنیت» فهم
عالمانه‌تر و مدلل‌تر تحلیل‌های علمی و نظری
مشاوره است. ویژگی علم راستین، تعهدآمدی است.
هر کس یک تئوری یا نظریه‌ای را به‌خوبی درک
کند و صرفاً با فرضیه‌های اثبات نشده مشغول نشود.
متأسفانه خیلی از متخصصان رشته‌های متفاوت در
دنیا بازچه دست زورگویان و مستکبران می‌شوند و
به حقایق پشت می‌کنند. علت این اعوجاج چیست؟
علت همین است که اظهار شد. علم به عالم قدرت
می‌بخشد، ولی صیانت کامل نمی‌کند. در نتیجه
هر جا و هر وقت اغراض مادی و مطامع دنیوی‌اش
برآورده شود، حقایق را فراموش می‌کند و تعهدات
حرفه‌ای‌اش را از یاد می‌برد. این موضوع ممکن
است سراغ مشاور هم بیاید و او را از ارائه خدمات
مشاوره‌ای سالم باز دارد. اصولاً عالمان باید